

استثنائات اصل صلاحیت سرزمینی در حقوق جزای افغانستان

واکمن صمیم^۱

عبدالخالق فصیحی^۲

چکیده

اصل صلاحیت سرزمینی یا درون مرزی مهم‌ترین و قدیمی‌ترین اصل در تعیین صلاحیت جزایی است و به موجب آن صلاحیت دولت برای رسیدگی به جرم با توجه به محل ارتکاب تمام یا بخشی از آن جرم تعیین می‌گردد. قوانین جزایی افغانستان، از جمله کود جزا که به‌عنوان مهم‌ترین منبع در حقوق جزای افغانستان محسوب می‌گردد، این اصل را به رسمیت شناخته است. اما اصل مذکور مانند بسیاری دیگر از اصول در حوزه علوم انسانی، استثنائاتی نیز دارد. در این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی به استثنائات اصل صلاحیت سرزمینی در حقوق جزای افغانستان پرداخته شده است و دو دسته استثنا، یکی در حقوق ملی و دیگری در حقوق بین‌الملل عمومی، مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: اصل صلاحیت سرزمینی، استثنائات، حقوق ملی، حقوق بین‌الملل

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)، کابل، افغانستان.

۲. گروه فقه قضایی، مؤسسه علوم انسانی، جامعة المصطفی (ص) العالمية، کابل، افغانستان.

مقدمه

صلاحیت سرزمینی یکی از مسائلی است که در اولین مرحله در قوانین جزایی کشورها در محراق توجه قانون‌گذاران قرار گرفته است، قانون‌گذاران با محوریت این اصل به وضع و تصویب قوانین جزایی می‌پردازد، قوانینی در حوزه حقوق جزایی به تصویب نخواهد رسید مگر این‌که اصل صلاحیت سرزمینی را مدنظر قرار نداده باشد. قوانین جزایی کشورها در پرتو صلاحیت سرزمینی حاکمیت دارد که می‌توان گفت: صلاحیت سرزمینی یکی از شاخصه‌های حقوق جزای عمومی محسوب می‌گردد و بدون اصل صلاحیت سرزمینی حقوق جزا ماهیت اصلی خویش را نخواهند داشت. قوانین جزایی افغانستان نیز بر این اساس به صلاحیت سرزمینی توجه نموده و موادی را در این مورد به تصویب رسانیده است. اصل سرزمینی بودن مانند بسیاری دیگر از اصول در حوزه علوم انسانی استثنائاتی دارد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به استثنائات اصل صلاحیت سرزمینی در حقوق جزای افغانستان پرداخته است. نویسنده به دو دسته استثناء یکی در حقوق ملی و دیگر در حقوق بین‌الملل عمومی اشاره کرده است.

۱. مفهوم اصل صلاحیت سرزمینی

اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی بدین معنای است که مقررات جزایی به شکل اقلیمی تطبیق می‌گردد، یعنی از یک سوا احکام قانون جزا از قلمرو دولت و مرزهای آن تجاوز نمی‌کند و از سوی دیگر، به تمام افراد و اشخاصی که در قلمرو آن دولت مقیم هستند، اعم از داخلی و خارجی، یکسان تطبیق می‌گردد (نذیر، ۱۳۹۶، ج ۱: ۱۹۶). عدم تجاوز مقررات جزایی از حدود یک سرزمین به سرزمین دیگر، امری است که احترام به سیادت و عظمت دولت‌های دیگر را لازم گردانیده است و تطبیق احکام قانون جزا بر همه افراد و اشخاصی که در قلمرو یک سرزمین زندگی می‌کند مظهري از سیادت و عظمت دولت است. بنابراین، طبق اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی، قوانین جزایی نسبت به کلیه ساکنان کشور، اعم از اتباع داخلی و خارجی، قابل اجرا است؛ ولی در خارج از سرحدات مرزی کشور نفوذ و تأثیری ندارد. اصل سرزمینی بودن دارای دو خصوصیت مثبت و منفی است. خصوصیت مثبت بدین

معنا است که قوانین جزایی شامل تمام اعمال جرمی می‌شود که در خاک کشور انجام شده‌اند و خصوصیت منفی به این معناست که قوانین جزایی در مورد کسانی که در خارج از کشور به سر می‌برند، حتی اتباع داخلی، قابل اعمال نیستند.

رعایت این اصل، نه تنها موجب جلوگیری از اجرای قوانین جزایی خارجی در داخل قلمروی یک کشور می‌گردد، بلکه برای تحقق عدالت نیز مناسب است. در عصر ما وقتی از سرزمین سخن به میان می‌آید، معنای آن فراتر از مفهوم لغوی است؛ زیرا مفهوم سرزمین نه تنها شامل قلمرو خشکی می‌گردد، بلکه قلمرو زیرزمینی، دریایی و هوایی را نیز در بر می‌گیرد. حتی کشتی‌ها و طیارات نیز جزء قلمرو سرزمینی یک کشور به حساب می‌آیند که در حقوق بین‌المللی عمومی مورد بحث قرار می‌گیرند (نبوی، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

۲. استثنائات اصل صلاحیت سرزمینی

در تعریف اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی گفته شد که اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی به معنای آن است که مقررات جزایی به شکل اقلیمی تطبیق می‌گردد، یعنی از یک جانب احکام قانون جزاء از قلمرو دولت و مرزهای آن تجاوز نمی‌کند و از جانب دیگر بر تمام افراد و اشخاصی که در قلمرو دولت مقیم هستند، اعم از خارجی و داخلی به صورت یکسان تطبیق می‌گردد.

چنان‌که دیدیم اصل صلاحیت سرزمینی به معنای اجرای قوانین داخلی نسبت به هر جرمی است که در قلمرو کشور صورت بگیرد لیکن این اصل نیز هم چون بسیاری از اصول دیگر در مواردی تخصیص خورده است. در کتب حقوقی دو مورد، از استثنائات این اصل شناخته شده است؛ نخست مصونیت جزایی برخی از مسئولان داخلی؛ دوم مصونیت سیاسی نمایندگان خارجی. در این مبحث هرکدام را به صورت جداگانه مورد بحث قرار می‌دهیم.

۲-۱. استثنائات مربوط به حقوق عمومی ملی

برخی از افراد و اشخاص به علت وظایفی که از نظر حقوق عمومی ملی دارند، در مقابل قوانین جزایی مصونیت دارند. این اشخاص عبارت‌اند:

۱-۱-۲. شخص پادشاه و رئیس جمهور

غالب کتب حقوقی به چنین استثنایی اشاره نکرده‌اند؛ زیرا چنان‌که خواهیم دید مصادیق خارجی چندانی برای آن یافت نمی‌شود در گذشته با شیوع حکومت‌های پادشاهی و اعتقاد به منشأ الهی سلطنت، پادشاهان عملاً از مصونیت جزایی مبری بودند. در دوران‌های گذشته عموم مردم عقیده داشتند که سلطنت منشأ الهی دارد و سلطان سایه خدا در روی زمین است (صانعی، ۱۳۷۴، ج ۱: ص ۱۴۵) و کارهای را که انجام می‌دهد هیچ‌گاه مقرون به خطا نیست، بنابراین، مصونیت کامل دارد. رؤسای دولت‌ها هم به دلیل اینکه وظایف خیلی‌ها مهم و خطرناکی را به عهده دارند و به خاطر این‌که از انجام وظایف‌شان بازمانند از تعقیب جزایی مصون شناخته می‌شوند (نذیر، دوفصلنامه مطالعات حقوق اسلامی، ۱۳۹۶: ۲۰۴).

در شرایط کنونی این مصونیت در کشورهای سلطنتی کامل بوده و در کشورهای جمهوری مربوط به اعمالی است که رئیس جمهور در اجرای وظایف خاص خود متکی به آن‌ها می‌شود. به‌عنوان مثال مصونیت پادشاه در ماد ۲ قانون اساسی سال ۱۸۹۱ میلادی پیش‌بینی شده بود. هم‌چنین در ماده ۴ آلبرتین ایتالیا آمده بود که «شخص شاه مقدس و غیرقابل تعرض است»؛ و به همین ترتیب در نظام‌نامه اساسی دولت عالی افغانستان سال ۱۳۰۱ هـ ش آمده بود که شاه غیرمسئول است و به همین منوال در ماده ۱۵ قانون اساسی سال ۱۳۴۳ هـ ش، شاه غیرمسئول و واجب‌الاحترام دانسته شده بود.

اما در کشورهای جمهوری مصونیت رئیس جمهور مطلق نبوده، بلکه مقید می‌باشد؛ به‌طور مثال در کشور فرانسه رئیس جمهور به خاطر ارتکاب خیانت بزرگ مسئول شمرده می‌شود. در کشور ایتالیا مصونیت رئیس جمهور مشروط به دو شرط است. طبق حکم ماده ۹۰ قانون اساسی این کشور رئیس جمهور مسئول اعمالی که در اثنای انجام وظایف قانونی خود مرتکب می‌شود نیست، مگر در صورتی که مرتکب خیانت بزرگ شود یا برای از بین بردن قانون اساسی تلاش کند (همان: ۲۰۶).

در کشور افغانستان نیز رئیس جمهور مصونیت دارد ولی این مصونیت به معنای معافیت از تعقیب عدلی نبوده، بلکه مصونیت تشریفاتی است. چنان‌که در ماده ۶۹ قانون اساسی افغانستان آمده است، «رئیس جمهور در برابر ملت و ولسی جرگه مطابق به احکام این ماده

مسئول می‌باشد. اتهام علیه رئیس‌جمهور به ارتکاب جرائم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت، از طرف یک ثلث کل اعضای ولسی جرگه می‌تواند تقاضا شود. در صورتی که این تقاضا از طرف دو ثلث کل آرای ولسی جرگه تأیید گردد، ولسی جرگه در خلال مدت یک ماه لویه جرگه را دایر می‌نماید. هرگاه لویه جرگه اتهام منسوب را به اکثریت دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، رئیس‌جمهور از وظیفه منفصل و موضوع به محکمه خاص محول می‌گردد. محکمه خاص متشکل است از رئیس مشرانو جرگه، سه نفر از اعضای ولسی جرگه و سه نفر از ستره محکمه به تعیین لویه جرگه، اقامه دعوی توسط شخصی که از طرف لویه جرگه تعیین می‌گردد صورت می‌گیرد. در این حالت احکام مندرج ماده ۶۷ این قانون اساسی تطبیق می‌گردد.»

۲-۱-۲. اعضای شورای ملی

مصونیت پارلمانی از انواع مصونیت قانونی است که بر اساس آن اعضای مجالس نمایندگان و مجالس قانون‌گذاری از تبعات قانونی انجام وظایف خود مانند تحت تعقیب محکمه قرار گرفتن یا اعلام جرم علیه آن‌ها، یا اعمال پلیسی معاف‌اند. این مصونیت محدود به دوره نمایندگی نیست و پس از پایان دوره نیز نسبت به اعمالی که در دوران نمایندگی انجام شده، پابرجا می‌ماند. شرایط این مصونیت و شرایط رفع آن در کشورهای مختلف متفاوت است. فلسفه وضع این مصونیت آن است که نماینده با توجه به شغل خود باید در مقام اظهار و گفتار آزاد باشد؛ چراکه ممکن است در اظهارنظرها و گزارش‌های وی مطالب کذب یا توهین‌آمیز یا تحریک‌کننده راه یابد و عدم وجود مصونیت مخل وظایف نمایندگی او خواهد بود چراکه نمایندگان در تصویب برخی قوانین، بیان برخی مطالب و برخی اعمال خود قطعاً در تعارض منافع با برخی مقامات دیگر قرار می‌گیرند و به همین جهت تحت فشار قرار دارند. چون اعضای شورای ملی عهده‌دار وظایف مهم می‌باشند و به خاطر این که بتوانند به آزادی کامل وظایف خود را انجام دهند باید از مصونیت جزایی برخوردار باشند؛ زیرا در غیر آن در مقابل قوای قضائیه و اجرائیه استقلال کامل نخواهند داشت.

البته این مصونیت تنها در مواردی است که مربوط انجام وظایف‌شان می‌شوند. به‌عنوان مثال عضو شورای ملی به خاطر رأیی که داده یا نطقی که ایراد نموده ولی توهین‌آمیز بوده

مورد پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرد، چنان‌که قانون اساسی افغانستان در ماده ۱۰۱ خود چنین بیان می‌دارد: «هیچ عضو شورای ملی به علت رأی یا نظریه‌ای که در هنگام اجرای وظیفه ابراز می‌دارد، مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد.» اما در جرایمی که مربوط به وظایف‌شان نمی‌شود دارای مصونیت نبوده بلکه مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرد که در این صورت مصونیت‌شان صرفاً یک مصونیت تشریفاتی است، چنان‌که قانون اساسی افغانستان در ماده ۱۰۲ خود تصریح می‌دارد: «هرگاه عضو شورای ملی به جرمی متهم شود، مأمور مسئول از موضوع به مجلسی که متهم عضو آن است، اطلاع می‌دهد و متهم تحت تعقیب عدلی قرار گرفته می‌تواند.

در مورد جرم مشهود، مأمور مسئول می‌تواند متهم را بدون اجازه مجلسی که او عضو آن می‌باشد تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید. در هر دو حالت، هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاد کند، مأمور مسئول مکلف است موضوع را بلافاصله به اطلاع مجلس مربوط برساند و تصویب آن را حاصل نماید. اگر اتهام در هنگام تعطیل شورا صورت بگیرد، اجازه گرفتاری یا توقیف از هیئت اداری مجلس مربوط حاصل می‌گردد و موضوع به نخستین جلسه مجلس مذکور جهت اخذ تصمیم ارائه می‌شود.»

مصونیت پارلمانی از مسایلی است که به‌عنوان یک امتیاز مهم برای نمایندگان مردم و به‌عنوان یک قاعده حقوقی در تمام قوانین اساسی کشورها مطرح شده است، این مصونیت بر دو قسم است که هر کدام را جداگانه توضیح می‌دهیم:

الف) مصونیت از اجراءات جزایی

مصونیتی که در ۱۰۲ قانون اساسی افغانستان ذکر گردیده، بدین معنای است که هیچ نوع اجراءات جزایی یا تعقیب عدلی بر ضد عضو پارلمان جواز ندارد، مگر اینکه اجازه قبلی مجلس تحصیل گردد. هدف از این مصونیت آن است که مبادا توطئه‌ها و صحنه‌سازی‌ها، مانع فعالیت پارلمانی وکیل و حضور او در پارلمان شود. چون ممکن است قوه مجریه یا هر نهادی دیگر با دستگیری عضو پارلمان و تحقیق از او بخواهد مانع حضور او در یک جلسه‌ای مهم پارلمانی شود، یا در مقابل اقدام وکیل به استجواب و استیضاح، از او انتقام بگیرد. از این رو، قوانین اساسی، معمولاً هر نوع اجراءات جزایی بر ضد عضو پارلمان را

ممنوع قرار داده است، مگر اینکه اجازه مجلس گرفته شده باشد (دانش، ۱۳۹۱: ۶۵۲).

از آنجایی که فلسفه اصلی این مصونیت، حمایت از عضو پارلمان در مقابل اتهامات بی اساس، دسیسه‌ها و توطئه‌ها است، منطق ایجاب می‌کند که در حالات جرم مشهود، این مصونیت برداشته شود، جرم مشهود، استثنای بر اصل تعرض ناپذیری نماینده است. ویژگی جرم مشهود آن است که به آسانی و به وضوح می‌توان مرتکب جرم را تمیز داد؛ یعنی جرم آن قدر علنی است که امکان هرگونه شبهه و اشتباه منتفی است.

در مورد مصونیت از تعقیب عدلی یا اجراءات جزایی چند نکته قابل توجه است:

۱. مصونیت از اجراءات جزایی بدین معنای است که قبل از اتخاذ هر نوع اجراءاتی باید اجازه مجلس تحصیل شود، اما این مصونیت رافع مسئولیت جزایی نیست، یعنی صفت جرمی از عمل ارتكابی و کیل زایل نمی‌گرداند و تنها اجراءات جزایی را متوقف می‌سازد، مگر این که پارلمان اجازه دهد و به همین دلیل است که این مصونیت، منحصر به شخص عضو پارلمان است و اگر در ارتكاب جرم، شرکای دیگری نیز داشته باشد، مصونیت وکیل مانع اجراءات جزایی علیه شرکا نمی‌گردد.

۲. هم‌چنین زمانی که اجازه مجلس درخواست می‌گردد و مجلس به بررسی موضوع می‌پردازد، این بررسی باید محدود به جنبه سیاسی قضیه باشد تا روشن گردد که اتهام جدی بوده یا این که یک توطئه است. هدف از بررسی مذکور این نیست که مجلس به تحقیق قانونی و قضایی بپردازد، چون مجلس در این مورد صلاحیت تحقیق ندارد، تحقیق جرم از صلاحیت‌های خارنوالی می‌باشد.

۳. مصونیت از اجراءات یادشده، شامل تمام انواع اجراءات جزایی می‌گردد، به شمول تفتیش، گرفتاری، توقیف و غیره اما مصونیت از اجراءات جزایی مانع از اجراءات مدنی در قضایای مدنی نمی‌شود.

۴. چنانکه این مصونیت شامل تمام اجراءات جزایی می‌شود، آیا همه انواع جرائم به شمول جنایت، جنحه و قباحت را شامل می‌شود یا نه؟

الف) برخی گفته‌اند، بلی، این یک قاعده کلی است و همه جرائم را شامل می‌شود.

ب) عده دیگری گفته‌اند که قباحت را شامل نمی‌شود؛ زیرا قباحت از جمله جرائم

خفیفه‌ای است که ارزش ضیاع وقت مجلس و اجازه گرفتن را ندارد.

۵. مصونیت از اجراءات جزایی یا تعقیب عدلی به دوره انعقاد جلسات پارلمان اختصاص دارد، اما در زمان تعطیلات پارلمانی، اجازه رئیس مجلس کفایت می‌کند و مجلس در اولین جلسه خود، درباره موضوع تصمیم می‌گیرد.

۶. این مصونیت، مانع اجرای حکم نهایی نمی‌شود، یعنی اگر از طرف محکمه، حکم نهایی علیه نماینده صادر شود، مسئول بودن و مجرم بودن او را تثبیت می‌کند، در اینجا شبهه‌ای توطئه و تزویر را از بین برده شده، بنابراین مطابق حکم ماده ۱۲۹ قانون اساسی افغانستان، حکم باید تطبیق شود.

۷. آخرین نکته قابل تذکر این است که مصونیت با عضویت شخص در پارلمان ارتباط دارد و اگر عضویت او پایان یابد، یا عضویت خود را از دست بدهد، از مصونیت بهره‌مند نخواهد بود. (همان: ۶۵۴)

مصونیت پارلمانی مختص به حقوق افغانستان نیست، بلکه قانون اساسی خیلی از کشورها این مصونیت را برای عضو پارلمان در نظر گرفته است که چند نمونه را در اینجا ذکر می‌کنیم:

۱. در ماده ۹۹ قانون اساسی کشور مصر درباره موضوع چنین تصریح شده است: «به جز در حین ارتکاب جرم، نمایندگان مجلس را نمی‌توان بدون اجازه مجلس تعقیب عدلی (جزایی) قرار داد. اگر مجلس جلسه نداشته باشد، از رئیس مجلس اجازه گرفته می‌شود و در جلسه بعدی باید موضوع به اطلاع نمایندگان برسد.»

۲. در ماده ۶۸ قانون اساسی کشور ایتالیا درباره موضوع چنین تصریح شده است: «اعضای پارلمان را نمی‌توان به سبب اظهار عقاید و آرای خود در زمان انجام وظایف نمایندگی تحت تعقیب قرار داد، هیچ‌یک از اعضای مجلسین را بدون کسب اجازه از مجلس مربوطه نمی‌توان تحت تعقیب جزایی قرار داد. سلب آزادی‌های شخصی، بازجویی، تفتیش بدنی و تفتیش محل سکونت و توقیف آنان ممنوع است، مگر اینکه در حین ارتکاب جرمی دستگیر شوند که برای آن جرم، حکم جلب یا بازداشت عضو مجلس الزامی است. چنین کسب اجازه‌ای از مجلس حتی برای بازداشت یا حبس نماینده‌ای مجلس به‌منظور اجرای

حکمی که علیه وی صادر شده ولو آن که آن حکم لازم الاجرا و قطعی باشد، ضروری است.»
 ۳. در ماده ۲۶ قانون اساسی کشور فرانسه درباره موضوع چنین تصریح شده است: «هیچ یک از اعضاء پارلمان را نمی توان به دلیل اظهار عقیده و رأی در حین انجام وظیفه نمایندگی مورد تعقیب، بازداشت و توقیف و دستگیری و بازجویی یا محاکمه به اتهام جنایت و جنحه قرار داد. جز موارد ارتکاب جرم مشهود یا محکومیت قطعی. هیچ یک از اعضا پارلمان را نمی توان طی مدت فعالیت مجلس، به جرم جنایت یا جنحه تحت تعقیب یا توقیف قرار داد مگر با اجازه مجلسی که متهم عضو آن است. در صورت تقاضای هر یک از مجلسین تعقیب نماینده آن مجلس متوقف خواهد شد.»

۴. در ماده ۶ قانون اساسی کشور ایالات متحده آمریکا و ماده ۶۲ قانون اساسی کشور آلمان فدرال و سایر کشورها احکام مشابهی درباره موضوع ذکر گردیده است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره منع تعقیب عدلی نمایندگان مجلس، حکمی ذکر نگردیده و گفته می شود که در مسوده ای اولیه، یک ماده در این ارتباط وجود داشته اما در مجلس خبرگان برخی از فقها آن را امتیاز زاید و برخلاف اسلام قلمداد نموده و با آن مخالفت کرده اند و نهایتاً حذف گردیده و به تصویب نرسیده است (هاشمی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۶۹).

ب) مصونیت از مسئولیت در قبال اظهارات و عقاید

در ماده ۱۰۱ قانون اساسی افغانستان درباره موضوع چنین تصریح شده است: «هیچ عضو شورای ملی به علت رأی یا نظریه ای که در هنگام اجرای وظیفه ابراز می دارد، مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد.»

برای توضیح ماده فوق باید گفت، نمایندگان پارلمان علاوه بر مصونیت از تعقیب عدلی، از مصونیت دیگری نیز برخوردارند که عبارت است از عدم مسئولیت در قبال آراء، عقاید، گفتار و نوشتاری که او در مقام نمایندگی در جلسات علنی یا خصوصی پارلمان سخنرانی می کند، از اعمال حکومت انتقاد می کند و از وزرا استجواب می کند و با طرح های قوه مجریه به مخالفت می پردازد، محدودیت این حق، با علت وجودی نهاد تقنینی منافات دارد. (دانش، ۱۳۹۱: ۶۵۶)

عدم مسئولیت نمایندگان دو خصلت دارد، هم مطلق است و هم مداوم، مطلق بدین

معنای که درباره آن استثنایی نیست، یعنی آنچه را که در حوزه اختیارات خود به انجام می‌رساند، مشمول اصل مصونیت به معنای عدم مسئولیت است، مدام بدین جهت که حتی بعد از اتمام دوره‌ای تقنینی نیز نمی‌توان نماینده را بابت اعمال دوره نمایندگی تعقیب کرد، زیرا در غیر این صورت باز آزادی عمل نماینده به سبب بیم و هراس از آینده سلب می‌گردد (قاضی، ۱۳۷۴: ۴۶۸).

در ارتباط با عدم مسئولیت نماینده پارلمان چند نکته قابل یادآوری است:

۱. تفاوت مصونیت به معنای عدم مسئولیت با مصونیت به معنای عدم تعقیب عدلی در این است که در مصونیت از تعقیب عدلی، اگر در واقع جرمی ارتکاب یافته باشد، مصونیت وکیل، صفت جرمی را زایل نمی‌گرداند و تنها اجرائیات جزایی منوط به اجازه یا تصویب مجلس مربوطه می‌داند، اما در مصونیت به معنای عدم مسئولیت، افکار و گفتار وکیل را در مقام نمایندگی، اصلاً مشمول صفت جرمی نمی‌داند، اگر آن افکار و گفتار فی حد ذاته جرم هم محسوب شود، مصونیت وکیل، صفت جرمی را از آن عمل که در مقام ایفای وظیفه نمایندگی انجام شده رفع می‌کند، هدف از این قاعده این است که به وکیل آزادی کامل داده شود و وارد مقام نمایندگی از هیچ پرس و جویی نهراسد.

۲. در بعضی از قوانین اساسی کشورها مانند ماده ۹۸ قانون اساسی کشور مصر، دایره‌ای عدم مسئولیت وکیل را محدود به اعمال و گفتاری دانسته که در داخل مجلس یا در کمیسیون‌های آن ابراز می‌شود، اما این محدودیت درست نیست. وکیل در خارج از مجلس و کمیسیون‌های آن در صورتی که به حیث وکیل و از مقام نمایندگی سخن می‌گوید، باید مصونیت داشته باشد و اگر نه او نمی‌تواند افکار خود را به طور علنی مطرح کند و در معرض افکار عمومی قرار دهد.

۳. این مصونیت همان طوری که گفته شد، مربوط به ساحه عمومی نمایندگی و انجام وظیفه پارلمانی است، بنابراین وکیل نباید از آن سوءاستفاده کرده و به استناد آن به حریم آزادی‌ها و حقوق افراد لطمه وارد سازد، در مواردی تهمت و افترا و هتک حرمت دیگران یا اعمال خشونت، ضرب، شتم و غیره حتی اگر در داخل مجلس یا کمیسیون‌های آن مرتکب شود جرم بوده و با رعایت شرایطی قابل تعقیب عدلی است.

۴. هم‌چنین این عدم مسئولیت، خطاهای انضباطی و تخلفات نمایندگان از اصول

وظایف داخلی و اخلال در کار مجلس را شامل نمی‌شود و وکیل به بهانه عدم مسئولیت نمی‌تواند اصول و مقررات داخلی پارلمان را نادیده بگیرد.

۵. عدم مسئولیت وکیل در ارتباط با اظهاراتش، هم مانع اقامه دعوی جزایی است، هم مانع اقامه دعوی مدنی، بنابراین نه خارنوالی می‌تواند علیه او اقامه دعوا کند و نه شخص متضرر می‌تواند ادعای جبران ضرر و خسارت کند، البته این موضوع به معنای منع مطلق اقامه دعوی مدنی نیست، تنها آن دعوی که با اظهارات و نظریات وکیل ارتباط دارد، ممنوع است، نه مطالبه و تحصیل حقوق مدنی (شیخا، ۱۹۸۳: ۶۰۸)

۳-۱-۲. اعضای لویه جرگه

اعضای لویه جرگه به علت اینکه عهده‌دار وظایف خیلی‌ها مهم و سرنوشت‌ساز در سطح کشور می‌باشند و به خاطر اینکه بتوانند با آزادی کامل وظایف و مسئولیت‌های خویش را انجام دهند، باید از مصونیت جزایی برخوردار باشند. اما باید توجه داشت که این مصونیت تنها در مواردی است که مربوط انجام وظایفشان می‌شود، ولی در جرایمی که مربوط به وظایفشان نمی‌شود، دارای مصونیت نبوده بلکه مورد پیگرد عدلی قرار می‌گیرد که در این صورت مصونیت‌شان صرفاً یک مصونیت تشریفاتی است. طوری که قانون اساسی افغانستان در ماده ۱۱۵ چنین تصریح کرده‌اند: «در هنگام دایر بودن لویه جرگه، احکام مندرج مواد صد و یکم و صد و دوم این قانون اساسی، در مورد اعضای آن تطبیق می‌گردد.»

۴-۱-۲. اعضای شورای وزیران

اعضای هیئت وزیران نیز از مصونیت جزایی برخوردارند، ولی این مصونیت به معنای معافیت از تعقیب عدلی نبوده، بلکه به معنای مصونیت تشریفاتی است، یعنی صلاحیت رسیدگی جرائم آنان به محاکم عادی تعلق نمی‌گیرد، بلکه به محاکم اختصاصی محول می‌گردد، طوری که قانون اساسی افغانستان در ماده ۷۸ خود تصریح می‌دارد: «هرگاه وزیر به ارتکاب جرائم ضد بشری، خیانت ملی و بیل سایر جرائم متهم گردد، قضیه با رعایت ماده ۱۳۴ این قانون اساسی به محکمه خاص محول می‌گردد.»

طبق حکم فقره ۱ ماده ۱۳۴ قانون اساسی افغانستان، کشف جرائم، توسط پولیس و تحقیق جرائم و اقامه دعوی علیه متهم در محکمه از طرف خارنوالی مطابق به احکام قانون صورت

می‌گیرد.

۵-۱-۲. اعضای شورای عالی ستره محکمه

اعضای شورای عالی ستره محکمه نیز از مصونیت جزایی برخوردار هستند، ولی این مصونیت به معنای معافیت از تعقیب عدلی نبوده بلکه به معنای مصونیت تشریفاتی است، یعنی صلاحیت رسیدگی جرائم آنان را محاکم عادی ندارد، بلکه به محاکم اختصاصی محول می‌گردد. چنانچه قانون اساسی افغانستان در ماده ۱۲۷ خود در این زمینه چنین صراحت دارد: «هرگاه بیش از یک ثلث اعضای مجلس نمایندگان، محاکمه رئیس یا عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نماید و مجلس نمایندگان این تقاضا را با اکثریت دوثلث کل اعضا تصویب کند، عضو ستره محکمه متهم شناخته می‌شود، از وظیفه عزل و موضوع به محکمه خاص محول می‌گردد. تشکیل محکمه و طرزالعمل محاکمه، توسط قانون تنظیم می‌گردد.»

۶-۱-۲. قضات محاکم

قضات محاکم نیز دارای مصونیت جزایی هستند، ولی این مصونیت به معافیت از تعقیب عدلی نبوده بلکه یک مصونیت تشریفاتی می‌باشد، چنان‌که قانون اساسی در ماده ۱۳۳ در این مورد چنین صراحت دارد: «هرگاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم شود، ستره محکمه مطابق به احکام قانون به حالت قاضی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتی که ستره محکمه اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور، قاضی متهم از وظیفه معزول و مطابق به احکام قانون مجازات می‌شود.»

۲-۲. استثنائات مربوط به حقوق بین الملل عمومی

از آنجایی که بین ملت‌ها روابط دوستانه برقرار است، برای حفظ این روابط، نمایندگان رسمی و سیاسی دولت‌ها در کشورهای دیگری که محل مأموریت دیپلماتیک یا سیاسی آنها است باید از مصونیت‌های مختلف، از جمله مصونیت اداری و مصونیت قضایی (مصونیت مدنی و مصونیت جزایی) برخوردار باشند و کسی مانع انجام وظایف آنان نشود، اساس این اصل را عرف بین‌المللی تشکیل می‌دهد و مراعات در گروه توافق ضمنی و رفتار متقابل

دولت‌ها است که در کنوانسیون ویانا مورخ ۱۸/آوریل/۱۹۶۱ میلادی بازتاب یافته است. در اینجا می‌خواهیم موضوعاتی از قبیل مفهوم مصونیت دیپلماتیک یا سیاسی، دلایل مصونیت دیپلماتیک یا سیاسی، انواع مصونیت دیپلماتیک یا سیاسی اشخاصی که مشمول مصونیت دیپلماتیک یا سیاسی می‌گردند و مواردی که بالای مصونیت دیپلماتیک یا سیاسی هیچ‌گونه تأثیری ندارند، مورد مطالعه قرار دهیم.

۱-۲-۲. مفهوم مصونیت دیپلماتیک یا مصونیت سیاسی

مصونیت دیپلماتیک یا سیاسی در اصطلاح عبارت از موقعیتی است که دارنده آن به دلیل دیپلمات بودن، از تعقیب قانون و مأموران دولت در صورت ارتکاب جرم در امان است، یعنی حتی با وجود ارتکاب جرم از ناحیه شخص دارنده مصونیت، مأمورین دولت حق گرفتاری، تعقیب و تعرض به وی را ندارند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸: ۱۰۶)

مصونیت دیپلماتیک یا سیاسی عبارت است از این‌که نمایندگان رسمی و سیاسی کشورهای خارجی که به موجب توافق قبلی در کشوری دیگری که محل مأموریت دیپلماتیک یا سیاسی آن‌ها است، وظایف مشخص و معینی را انجام می‌دهد، از تعقیب، گرفتاری، تحقیق و محاکمه توسط مقامات عدلی و قضایی کشور میزبان در امان می‌باشند. (نذیر، ۱۳۹۶: ۲۰۹)

۲-۲-۲. دلایل مصونیت سیاسی

اشخاصی که به شکل رسمی از طرف دولت متبوع خود برای ایفای وظایف متنوع سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی وارد کشورهای دیگری می‌شوند از یک سری مصونیت‌ها و مزایا برخوردارند.

حدود و ثغور مصونیت‌ها و اشخاص برخوردار از آن‌ها عمدتاً در حقوق بین‌الملل مورد بحث قرار می‌گیرد. مصونیت‌های دیپلماتیک یا سیاسی بر دو نوع‌اند:

۱. مصونیت از تعرض

۲. مصونیت قضایی

کتاب حقوق جزای عمومی تنها مصونیت قضایی را مورد بحث قرار می‌دهند.

شخص برخوردار از مصونیت قضایی برای اعمال مجرمانه مورد تعقیب قرار نمی‌گیرد؛

و ضامن خسارات ناشی از عمل خود نیست؛ یعنی از مسئولیت جزایی و مدنی به‌طور هم‌زمان برخوردار است البته مصونیت جزایی مورد قبول عموم دول است ولی در مسئولیت مدنی اختلاف وجود دارد، برخی دول مانند ایتالیا قائل به تفکیک بین اعمال دیپلماتیک یا سیاسی در اجرای وظایف و اعمال شخصی می‌باشند، ولی برخی چون فرانسه و سوئیس این تشخیص را مشکل و غیر لازم می‌دانند و قائل به مصونیت کلی هستند

از آنجاکه مصونیت قضایی امری خلاف اصول کلی حقوق جزایی به‌شمار می‌رود، در مقام توجیه آن دلایل مختلفی ارائه شده است:

الف) زوال عنصر قانونی و مباح شدن عمل

بدین معنا عمل ارتكابی از جانب افراد مذکور توسط قانون‌گذار جرم شناخته نشده است. مهم‌ترین اشکال این نظریه آن است که لازمه آن عدم تعقیب جزایی مجرم حتی در کشور متبوع خود است، در حالی که در عمل مجرم از کشور خود دعوت داده می‌شود به‌علاوه این نظریه سؤال اصلی را هم چنان بی‌پاسخ باقی می‌گذارد که چرا قانون‌گذار جرم ارتكابی را مباح دانسته است.

ب) نظریه نمایندگی

این نظریه ریشه تاریخی دارد در گذشته پادشاه تجسم عینی موجودیت یک ملت بود و سفیر نماینده او به تعبیر منتسکیوزبان پادشاه تلقی می‌شد که آزاد باشد بعدها بازوال حکومت‌های پادشاهی و اعتقاد به این که حاکمیت از آن ملت و دولت و نماینده آنان است سفیر در واقع نماینده دولت تلقی می‌شد چون بنا بر اصل مساوات در حاکمیت، همه کشورهای مستقل از حیث حاکمیت مساوی‌اند، هیچ کشوری حق محدود ساختن حاکمیت دول دیگر را ندارد (قیاسی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۳۷)

این نظریه مصونیت دیپلماتیک یا سیاسی سفیر را در قبال اعمالی که لازمه وظایف قانونی او به نمایندگی از ملت است، نشان می‌دهد ولی جرائم ناشی از سوء رفتار شخصی او را توجیه نمی‌کند.

ج) نظریه امتداد سرزمین بیگانه

این نظریه از سده ۱۷ به بعد رواج یافته است و مبتنی بر این فرض است که سفارت‌خانه و

محل کار سفیر فی الواقع مانند کشتی، قطعه‌ای از خاک کشور مهمان محسوب می‌شود. تبعات غیر قابل قبول این نظریه منجر به عدم مقبولیت آن شد؛ زیرا لازمه چنین سخنی آن است که اگر کسی در سفارت‌خانه کشور متولد شد تابعیت آن را کسب کند یا اگر مجرمی به سفارت‌خانه پناهنده شود تحویل او تابع قرارداد استرداد گردد. به‌علاوه، مصونیت سفیر را در خارج از سفارت توجیه نمی‌کند.

د) نظریه مصلحت خدمت

به‌موجب این نظریه نمایندگان خارجی برای حسن اجرای وظایف خویش در کشور بیگانه، نیازمند به مصونیت هستند، نمایندگان سیاسی بسیاری از کارهای مهم و سرنوشت‌ساز را از ترس اینکه در برابر محاکمه خواهند شد، انجام داده نتوانند، بنابراین، برای آن‌که نمایندگان سیاسی وظایف خویش را به‌صورت آزاد و بدون هراس انجام دهند باید مصونیت داشته باشند. (نذیر، ۱۳۹۶) مصونیت خانواده آنان نیز همین راستا قابل توجیه است.

ه) نظریه رفتار متقابل

در گذشته و حال مهم‌ترین ضمانت اجرای قوانین بین‌الملل عمومی تلافی و رفتار متقابل بوده است. مصونیت دیپلمات‌ها ناشی از همین امر است. این نظریه نشان می‌دهد که هر کشوری به این دلیل به نمایندگان خارجی مصونیت اعطا می‌کند که خود نیز خواستار مصونیت نمایندگان خویش در خارج است، اما به‌رحال نشان می‌دهد چه نیازی به مصونیت نمایندگان کشور در خارج وجود دارد که جهت تحصیل آن مجبور شویم به نمایندگان خارجی مصونیت عطا کنیم؛ به‌عبارت‌دیگر ملت‌ها از لحاظ دینی و هم از لحاظ عقلی باید به یکدیگر احترام داشته متقابل داشته باشد و احترام متقابل بین دول در گرو مصونیت نمایندگان سیاسی آن‌ها نهفته است، بنابراین، به‌منظور حفظ این احترام و ارج‌گذاری به آن باید نمایندگان سیاسی در کشور میزبان از مصونیت برخوردار باشند؛ چیزی که نظریه چهارم به‌روشنی بدان پاسخ می‌دهد.

۳-۲-۲. استفاده‌کنندگان از مصونیت سیاسی

طیف وسیعی از نمایندگان خارجی را می‌توان یافت که مزایا و مصونیت‌های سیاسی برخوردارند؛ اگرچه میزان مصونیت و شرایط آن با توجه به موفقیت افراد متفاوت است. افراد

مذکور عبارت‌اند از:

۱. روسای دولت‌های خارجی مانند روسای جمهور، نخست وزیران، پادشاهان یا کسانی که خارج از چارچوب عناوین مرسوم و متداول فوق بوده ولی در عین حال بالاترین مقام کشور محسوب می‌شوند مانند ولی فقیه یا رهبر.

مصونیت این افراد منحصر به دیدارهای رسمی یا مأموریت دیپلماتیک نیست بلکه به هر شکل ممکن خواه برای دیدار شخصی یا توقف در مسیر، وارد کشوری شوند از مصونیت برخوردارند (الزغبی، ۱۹۹۵: ۱۳۰). البته به گستردگی چنین مصونیتی در قرارداد وین تصریح نشده، بلکه ناشی از عرف و عادت بین‌الملل است. چنان‌که در مقدمه قرارداد مذکور نیز آمده است («... در مورد مسایلی که ضمن مقررات این قرارداد صریحاً تعیین تکلیف نشده است قواعد عرف و عادت حقوق بین‌الملل هم چنان حاکم خواهد بود»).

۲. معاونین رؤسای جمهور و نخست‌وزیر، یا اعضای شوری ملی اعم از نمایندگان و سناتوران کشورهای خارجی (نذیر، ۱۳۹۶: ۲۱۱).

۳. وزرای امور خارجه بقیه وزرا جز در موارد سفرهای رسمی مصونیتی ندارند ولی عملاً نسبت به آن مسامحه صورت می‌گیرد.

۴. اعضای خارجی هیئت‌های اداری که در یک کشور به منظور رسیدگی به اختلافات تشکیل می‌شود. (صانعی، همان: ۱۹۹)

۵. کارکنان دیپلماتیک که طبق فقره ۱ ماده ۳ قانون کارکنان دیپلماتیک و قونسل‌های افغانستان شامل اعضای دیپلماتیک یعنی سفیر، وزیرمختار، مستشار وزیرمختار، مستشار و سکرتر اول، دوم و سوم می‌باشد، طبق حکم ماده ۴ قانون مذکور کارکنان اداری، فنی و خدماتی مشمول کارکنان دیپلماتیک نیست.

۶. نیروهای نظامی خارجی که به موجب معاهده یا توافق با دولت مطبوع‌شان در یک کشور حضور دارند، خواه بری باشد یا بحری، یا هوایی تابع احکام قوانین جزایی آن کشور نخواهند بود؛ زیرا نیروهای نظامی ممثل سیادت و عظمت دولت متبوع خویش هستند و به‌علاوه به موجب سیستم نظامی نیروهای مسلح تابع رؤسای جمهور کشورها است؛ اما باید متوجه بود که مصونیت آن‌ها فقط در سه حالت است:

۱. جرم هنگام انجام وظیفه رسمی شان واقع شود.
 ۲. جرم در اثنای وجود آن‌ها در جبهه جنگ رخ دهد.
 ۳. جرم در قلمروی که آن‌ها در آنجا اقامه دارند ارتکاب گردد و الا دارای مصونیت نخواهند بود.
۷. کارمندان سازمان‌های بین‌المللی، این کارمندان از موافقت‌نامه سال ۱۹۴۶ میلادی سازمان ملل متحد به دو بخش تقسیم می‌شود:
- یک: اعضای هیئت هر کشور که در سازمان ملل متحد و کنفرانس‌های آن حضور دارند و از کشور خویش نمایندگی می‌نمایند، این گروه از تمام امتیازات و مصونیت‌های نمایندگان سیاسی برخوردارند.
- دو: کارمندان سازمان ملل متحد هستند که این‌ها نیز دو دسته هستند:
- الف) دسته اول شامل سرمنشی سازمان ملل متحد و معاونین وی و اعضای محکمه عدلی بین‌المللی می‌شود که آن‌ها نیز از تمام امتیازات و مصونیت‌های نمایندگان سیاسی برخوردار هستند.
- ب) دسته دوم سایر کارمندان ملل متحد را تشکیل می‌دهند، این گروه صرفاً مسئولیت وظیفوی دارند. در این اواخر برخی از سازمان‌های تخصصی بین‌المللی از قبیل سازمان بین‌المللی کار، سازمان بین‌المللی یونسکو، صندوق وجهی بین‌المللی پول، بانک جهانی برای ایجاد و بازسازی، سازمان صحتی جهانی و غیره نیز از این قواعد استفاده نمودند.
۸. افرادی که در سلک قونسل‌ی کار می‌کنند، چون این افراد از دولت‌های خویش در امور سیاسی نمایندگی نمی‌کنند، بلکه آن‌ها امور مدنی، تجارتي، فرهنگی، دولت‌هایشان را پیش می‌برند و به اضافه مصالح اتباع کشورشان را در یک کشور بیگانه تأمین می‌نمایند، بنابراین دارای مصونیت سیاسی مطلق نیستند، ولی بر اساس عرف بین‌المللی تا حدودی دارای مصونیت جزایی می‌باشند و آن‌هم در جرائم مرتبط به وظایف‌شان از قبیل رشوه، اختلاس و سوءاستفاده از صلاحیت وظیفوی، اما در جرایمی که به وظایف‌شان ارتباط ندارد، مصونیت جزایی نخواهند داشت و هم‌چنان در مسائل مدنی مصونیت نمی‌باشند، ولی از برخی از امتیازات و سهولت‌ها از قبیل معافیت مالیاتی و گمرکی برخوردار می‌باشند.

۹. به موجب ماده ۳۷ کنوانسیون ویانا سال ۱۹۶۱ میلادی علاوه بر افراد مذکور خانواده آنان و کارمندان اداری و فنی مأموریت و خانواده آنان، خدمه مأموریت و خدمتکاران شخصی اعضای مأموریت، با شرایطی که در ماده ۳۷ ذکر شده از مصونیت برخوردارند، البته در مورد خدمتکاران شخصی مانند مربی و آشپز و باغبان، دولت‌ها رفتار یکسانی ندارند و ماده ۳۷ را به طور مطلق نمی‌پذیرند. برخی مانند آمریکا و انگلیس به شرط معامله به مثل، به آن‌ها مصونیت می‌دهند، در حالی که بسیاری از کشورها مانند شوروی سابق یا کشورهای اروپایی شرقی به دلیل کثرت این افراد، خصوصاً از ناحیه کشورهای بزرگ، به طور مطلق این مصونیت را اعطا نمی‌کنند (الزغبی، همان: ۱۳۰).

۴-۲-۲. قلمرو مصونیت سیاسی

مصونیت مأمورین سیاسی مطلق است و حتی در خارج از حیطه امور رسمی مربوط به وظایف خود نیز مصون از تعرض هستند. ماده ۳۱ قرارداد ویانا مقرر می‌دارد: «مأمور سیاسی در کشور پذیرنده از مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است و از مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره‌مند خواهند بود، مگر در موارد زیر...»؛ یعنی اقامه دعاوی مدنی علیه آن‌ها نیز ممکن نیست.

بر اساس قسمت‌های ۲ و ۳ ماده ۳۱ که چنین صراحت دارد: «مأمور سیاسی مجبور به ادعای شهادت نیست و هیچ‌گونه عملیات اجرایی علیه وی صورت نمی‌گیرد، مگر در موارد مذکور بندهای الف و ب و ج قسمت اول این ماده و به شرط آن است که این عملیات اجرایی به مصونیت شخص یا محل اقامت او لطمه‌ای وارد نیابد.

۴-۲-۵. مصونیت سیاسی در قوانین جزایی افغانستان

کود جزای افغانستان در ماده ۲۱ چنین مقرر می‌دارد: «هرگاه کارکن ملل متحد یا کارکن سازمان‌های بین‌المللی دیگر یا نماینده سیاسی دولت خارجی مرتکب جرمی گردد که احکام این قانون بالای وی قابل تطبیق باشد با آن‌ها مطابق معاهدات بین‌الدول و میثاق‌های بین‌المللی که موقوف، امتیازات و مصونیت‌های کارکنان و نمایندگان متذکره را تنظیم می‌نماید و جمهوری اسلامی افغانستان به آن ملحق گردیده است، رفتار صورت می‌گیرد.»

نتیجه گیری

- از خلال بررسی و تجزیه و تحلیل های انجام شده در این نوشتار به نتایج زیر می رسیم:
۱. اصل سرزمینی بودن حقوق جزا یکی از اصول معتبر است و در کلیه نظام های جزایی از آن استفاده می شود؛
 ۲. اصل سرزمینی بودن حقوق جزا مانند بسیاری دیگر از اصول و قواعد در حوزه علوم انسانی دارای استثنائاتی نیز می باشد.
 ۳. بخشی از استثنائات اصل سرزمینی بودن حقوق جزا مرتبط با حقوق ملی است.
 ۴. بخشی دیگر از استثنائات اصل سرزمینی بودن حقوق جزا مرتبط با حقوق بین الملل عمومی است.

فهرست منابع و مآخذ

۱. تعدادی از نویسندگان، (۱۳۹۸)، شرح کود جزای افغانستان، کابل: بنیاد آسیا.
۲. دانش، سرور، (۱۳۹۱)، حقوق اساسی افغانستان، کابل: انتشارات دانشگاه ابن سینا، چاپ دوم.
۳. الزغبی، فرید، (۱۹۹۵)، الموسوعة الجزائیه، ج ۶، بیروت: دار الصادر، چاپ دوم.
۴. شیخا، ابراهیم عبد العزیز، (۱۹۸۳)، القانون الدستوری، لبنان: الدار الجامعیه، اول.
۵. صناعی، پرویز، (۱۳۷۴)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: نشر گنج دانش، چاپ ششم.
۶. قاضی، ابوالفضل، (۱۳۷۳)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: مؤسسه نشر یلدا، چاپ اول.
۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان.
۸. قانون اصول اجرانات جزایی افغانستان.
۹. قیاسی، جلال الدین، (۱۳۸۹)، دهقان، حمید، خسروشاهی، قدرت الله، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
۱۰. کود جزای افغانستان
۱۱. نبوی، نعمت‌الله، (۱۳۹۷)، حقوق جزای عمومی افغانستان، کابل: نشر لغت، چاپ دوم.
۱۲. نذیر، دادمحمد، (۱۳۹۶)، حقوق جزای عمومی، کابل: انتشارات حامد رسالت، چاپ دوازدهم.
۱۳. هاشمی، سیدمحمد، (۱۳۷۴)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشار دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.